یادداشت

نوآوری در حکمرانی و بازسازی اعتماد

علی ملکی*

به‌عنوان فارغ‌التحصیل حوزه نوآوری و فناوری و با اتکا به مطالعاتی که در این زمینه داشته‌ام، آنچه بیش از هر چیز در تحلیل وضعیت امروز ایران به چشم می‌آید، نه صرفا بحران‌های اقتصادی یا فشارهای خارجی، بلکه فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی است؛ همان عنصری که اگر تضعیف شود، حتی تصمیم‌های درست نیز با بی‌اعتمادی و مقاومت روبه‌رو می‌شوند. رخدادهای تلخ دی‌ماه و تلفات انسانی که جامعه را متاثر کرد، صرفا یک حادثه گذرا نبود، بلکه نشانه‌ای از عمیق‌ترشدن فاصله‌ای بود که اگر جدی گرفته نشود، هزینه‌های بیشتری بر کشور تحمیل خواهد کرد. مطالبه بخش بزرگی از جامعه پیچیده نیست؛ زندگی پیش‌بینی‌پذیر، معیشت کم‌دغدغه و آینده‌ای که بتوان برای آن برنامه‌ریزی کرد. در ادبیات علوم سیاسی، رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای از اعتماد و مشارکت می‌داند که کارآمدی نهادهای عمومی به آن وابسته است. فرانسیس فوکویاما نیز اعتماد را زیرساخت نظم سیاسی معرفی می‌کند و نشان می‌دهد جوامعی که سطح اعتماد در آنها پایین است، برای اداره امور ناچار به صرف هزینه‌های بیشتر و اتکا به ابزارهای کنترلی‌اند. این هشدارها صرفا نظری نیستند؛ در عمل نیز هرجا اعتماد کاهش یافته، سیاست‌گذاری دشوارتر و پرهزینه‌تر شده است. از این منظر، مسئله امروز ما پیش از آنکه صرفا اقتصادی باشد، مسئله‌ای در حوزه حکمرانی است. حوزه‌ای که بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در شیوه‌ها و حتی در برخی پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک خود است. در جهانی که با سرعتی بی‌سابقه تغییر می‌کند، اصرار بر نام‌ها و چارچوب‌های ثابت و کهنه، بیش از آنکه نشانه ثبات باشد، می‌تواند نشانه ناتوانی در تطبیق با واقعیت‌های نوظهور باشد. حکمرانی کارآمد، ناگزیر است ارزش‌ها و سیاست‌های خود را متناسب با شرایط و اقتضائات جهان پیش‌رو به‌روز کند. دموکراسی را می‌توان نه در قالب یک آرمان دوردست، بلکه به‌مثابه سازوکاری برای اصلاح خطا فهمید. جامعه‌ای که امکان بیان نقد و مشارکت حداقلی در تصمیم‌سازی را داشته باشد، نارضایتی را به داده‌ای برای بهبود سیاست‌ها تبدیل می‌کند. اما اگر کانال‌های گفت‌وگو محدود شود، همان نارضایتی به بی‌اعتمادی عمیق‌تر بدل خواهد شد. دراین‌میان شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حکمرانان، نه یک شعار تزیینی، بلکه نخستین گام در ریل‌گذاری برای بازسازی سرمایه اجتماعی است. هیچ سرمایه‌ای بدون پاسخ‌گویی شکل نمی‌گیرد و هیچ اعتمادی بدون شفافیت پایدار نمی‌ماند. پذیرش خطا و توضیح صادقانه تصمیم‌ها، ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه سیاسی داشته باشد، اما در بلندمدت، کم‌هزینه‌ترین مسیر حکمرانی است. در ادبیات نوآوری سیاستی، تاکید می‌شود که دولت‌ها برای مواجهه با مسائل پیچیده، نیازمند «حکمرانی یادگیرنده» هستند؛ حکمرانی‌ای که بتواند داده جمع‌آوری کند، بازخورد بگیرد و مسیر خود را اصلاح کند. نوآوری در حکمرانی به معنای تغییر پارادایم تصمیم‌گیری است، نه صرفا افزودن ابزارهای فناورانه به ساختارهای قدیمی. شفافیت واقعی، سیاست‌گذاری مبتنی بر داده، مشارکت ذی‌نفعان در طراحی تصمیم‌ها و استفاده از فناوری برای شنیدن صدای جامعه، نشانه‌های چنین تغییری هستند. جامعه زمانی دوباره اعتماد می‌کند که احساس کند نه موضوع مدیریت، بلکه شریک حل مسئله است. هم‌زمان، برون‌رفت از وضعیت فعلی بدون بازاندیشی در الگوی ارتباط جهانی نیز دشوار خواهد بود. در جهانی به‌هم‌پیوسته، انزوا می‌تواند فشار بر اقتصاد و زندگی روزمره مردم را تشدید کند و همین امر به تضعیف بیشتر سرمایه اجتماعی بینجامد. تغییر پارادایم در سیاست خارجی، به معنای عدول از اصول نیست، بلکه می‌تواند به معنای تعریف تعاملات هوشمندانه‌تر و مبتنی بر منافع ملی باشد؛ تعاملی که افق اقتصادی و اجتماعی کشور را روشن‌تر کند و به کاهش نااطمینانی در زندگی شهروندان بینجامد. وطن‌دوستی در چنین زمینه‌ای معنا می‌یابد، نه در تکرار واژه‌ها، بلکه در زیستنِ امید. احساس تعلق به کشور زمانی جان می‌گیرد که فرد مطمئن باشد صدایش شنیده می‌شود، شأنش محفوظ است و آینده‌اش در تصمیم‌ها سهم دارد. مردمی که در سال‌های اخیر فشار معیشت، اضطراب فردا و تلخی فقدان عزیزان را بر دوش کشیده‌اند، بیش از هر چیز تشنه نشانه‌ای صادقانه از تغییرند؛ نشانه‌ای که بگوید رنج‌شان دیده شده و صدای‌شان در هیاهوی سیاست گم نشده است. بازسازی سرمایه اجتماعی از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از همدلی پیش از موضع‌گیری، از شنیدن پیش از پاسخ‌دادن و از اصلاح پیش از توجیه. اگر شفافیت و پاسخ‌گویی نه در سخن بلکه در عمل به رسمیت شناخته شود و اگر اراده‌ای برای نوسازی شیوه حکمرانی شکل گیرد، هنوز می‌توان به ترمیم اعتماد امید بست؛ امیدی که شاید آهسته و شکننده باشد، اما می‌تواند دوباره این سرزمین را به خانه‌ای بدل کند که اختلاف‌نظر در آن تهدید نیست و آینده، رؤیایی دوردست نیست، بلکه امکانی مشترک است.

* دانش‌آموخته مدیریت نوآوری دانشگاه شهید بهشتی

طبقه حساس

نگاهی تحلیلی به مخاطرات تضعیف «طبقه متوسط» در ایران پسااعتراضات

جواد نوری‌زاده
دکترای علوم سیاسی

«طبقه‌بندی اجتماعی» (Social Classification) یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل در علوم اجتماعی است؛ زیرا رفتارها، ارزش‌ها و کنش‌های گروه‌های مختلف جامعه را براساس جایگاه اقتصادی و فرهنگی آنان توضیح می‌دهد. در این میان، طبقه متوسط به دلیل موقعیت میانی خود در ساختار اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در ثبات، اصلاحات و توسعه ایفا می‌کند. این طبقه صرفا یک گروه درآمدی نیست که با متغیرهای اقتصادی مورد تبیین واقع شود، بلکه نیرویی اجتماعی با ظرفیت اثرگذاری تاریخی است.

طبقه متوسط معمولا شامل کارمندان، معلمان، دانشگاهیان، پزشکان، مهندسان، مدیران میانی، کارآفرینان کوچک و صاحبان مشاغل خدماتی است. سطح تحصیلات بالاتر و دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات، این طبقه را به یکی از فعال‌ترین نیروهای مطالبه‌گر در جامعه تبدیل می‌کند. از منظر آماری نیز براساس اعلام تحلیل داده‌های اقتصادی (Daraian)،[1] حدود ۵۷ درصد جمعیت ایران در گروه درآمدی متوسط قرار دارند، ۳۵ درصد فقیر و حدود هشت درصد ثروتمند شناخته می‌شوند. این ترکیب نشان می‌دهد که طبقه متوسط علی‌رغم افول تدریجی، به‌ویژه دو دهه اخیر، همچنان بخش غالب ساختار اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهد. در تاریخ معاصر ایران، نقش طبقه متوسط در تحولات سیاسی به‌روشنی قابل مشاهده است. در جریان تحولات انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ شمسی)، نیروهای پیش‌برنده این جنبش عمدتا تجار، روشنفکران، روحانیون شهری و کارمندان جدید دیوانی بودند؛ یعنی همان لایه‌های اولیه طبقه متوسط شهری که خواستار قانون، مجلس و تحدید قدرت مطلقه شدند. در شکل‌گیری پارلمان در ایران نیز نقش این طبقه را به وضوح مشاهده می‌کنیم. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ نیز در جریان ملی‌شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق، بدنه اصلی حامیان این حرکت را معلمان، کارمندان، دانشجویان و اصناف شهری تشکیل می‌دادند. شبکه مطبوعات، احزاب و اجتماعات سیاسی آن دوره عمدتا بر دوش طبقه متوسط شهری بود که استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی را مطالبه می‌کرد. در سال ۱۳۵۷ نیز اگرچه انقلاب اسلامی ائتلافی گسترده از گروه‌های اجتماعی بود، اما حضور گسترده کارمندان دولت، فرهنگیان، دانشگاهیان، بازاریان و دانشجویان به‌عنوان لایه‌های مختلف طبقه متوسط، نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیج اجتماعی داشت. اعتصابات کارکنان دولت و صنعت نفت که ضربه اقتصادی مهمی به ساختار سلطنت پهلوی وارد کرد، بدون همراهی این طبقه امکان‌پذیر نبود. پس از انقلاب نیز طبقه متوسط در بزنگاه‌های سیاسی فعال باقی ماند. مشارکت گسترده اقشار تحصیل‌کرده متعلق به طبقه متوسط در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، جنبش‌های دانشجویی ۱۳۷۸ و موج‌های بعدی مشارکت انتخاباتی، همگی نشان‌دهنده وزن سیاسی این طبقه در تحولات ایران معاصر است. علاوه بر این، تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که هرگاه طبقه متوسط از نظر اقتصادی تقویت شده، مسیر تحولات به سمت اصلاحات تدریجی، مشارکت مدنی و ثبات نهادی حرکت کرده و هرگاه این طبقه تحت فشار معیشتی قرار گرفته، جامعه با تنش‌های عمیق‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتری روبه‌رو شده است. برای ادعای اول می‌توان دوران پس از جنگ و دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) را مثال زد که در آن با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و توسعه زیرساخت‌ها، بخش‌هایی از طبقه متوسط شهری (کارمندان، متخصصان، دانشگاهیان و بخش خصوصی نوپا) تقویت شدند. افزایش مطالبات مدنی و فرهنگی، رشد مطبوعات و تشکل‌های حرفه‌ای و زمینه‌سازی برای مشارکت سیاسی گسترده‌تر در انتخابات بعدی را که در نهایت به پیروزی گفتمان اصلاح‌طلبی در انتخابات ۱۳۷۶ و روی کار آمدن سیدمحمد خاتمی انجامید، می‌توان به‌عنوان پیامدهای تقویت طبقه متوسط برشمرد. مصداق عینی شرایط تنش‌آمیز پس از تضعیف طبقه متوسط نیز اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ است که در پی تورم و رکود اقتصادی، بیکاری و فشار معیشتی ناشی از تحریم‌ها، بخشی از طبقه متوسط و پایین‌شده شهری با کاهش قدرت خرید روبه‌رو شد. اعتراضاتی که از بازار آغاز شد، به‌سرعت به شهرهای متعدد گسترش یافت و ماهیتی غیرمتمرکز و پیش‌بینی‌ناپذیر پیدا کرد و دامن کل ایران را گرفت.

طبقه متوسط به‌طور طبیعی حامل «عقلانیت اقتصادی» و «مطالبه‌گری قانون‌مند» است؛ زیرا هم از سرمایه انسانی و تحصیلات کافی برای تحلیل شرایط برخوردار است و هم منافعش در گرو ثبات، امنیت سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد است. فرسایش این طبقه، به معنای تضعیف موتور اصلی اصلاح‌پذیری درونی جامعه است؛ چراکه طبقه متوسط معمولا نه خواهان فروپاشی نظم موجود، بلکه خواهان کارآمدسازی و اصلاح آن است. از این منظر، حساسیت این طبقه دقیقا در همین نقطه نهفته است: اگر امید به بهبود تدریجی کاهش یابد، فاصله میان انتظارات و واقعیت‌های اقتصادی می‌تواند به شکاف اجتماعی و سیاسی عمیق‌تری تبدیل شود. در حوزه فرهنگی و اقتصادی نیز طبقه متوسط نقش‌آفرین بوده است. توسعه آموزش عالی -که جمعیت جامعه آکادمیک کشور را طبق اسناد UNESCO به ۲۳ درصد کل جمعیت ایران رسانده،[2] گسترش مطبوعات، رونق سینمای اجتماعی، رشد شرکت‌های دانش‌بنیان و استارتاپ‌ها، همگی محصول گسترش همین طبقه بوده‌اند. رونق بازار خدمات، بیمه، بانکداری خرد و حتی بورس در دوره‌هایی که قدرت خرید این طبقه افزایش یافته، مؤید نقش اقتصادی آن است. بااین‌حال، داده‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که این طبقه در سال‌های اخیر کوچک‌تر شده است. براساس تحلیل‌های منتشرشده در اندیشکده شورای آتلانتیک (Atlantic Council)،[3] سهم طبقه متوسط ایران که در دهه ۲۰۰۰ میلادی حدود ۵۸ درصد جمعیت برآورد می‌شد، تا سال ۲۰۱۹ به حدود ۴۹ درصد کاهش یافته و روند کاهشی در سال‌های بعد نیز ادامه داشته است. این کاهش، بیانگر فرسایش تدریجی طبقه متوسط در دو دهه اخیر است. برخی پژوهش‌های اقتصادی، مثل گزارش «معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران» نیز نشان می‌دهد که اندازه طبقه متوسط ایران در سال‌های پس از ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) و متعاقب تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان، به‌طور تقریبی سالانه حدود ۱۱ درصد کوچک‌تر شده است؛ این تحریم‌ها افراد بیشتری از طبقه متوسط را به دهک‌های درآمدی پایین‌تر سوق داده و مهاجرت طبقه متوسط رو به بالا را افزایش داده است. این یافته‌ها بر آسیب‌پذیری شدید دهک‌های میانی در برابر شوک‌های اقتصادی بین‌المللی دلالت دارد. جالب آنکه روند کوچک‌شدن طبقه متوسط با توافق موقت هسته‌ای از ۵۴/۱۲ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۸۹/۱۱ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش پیدا کرده و سپس در سال ۲۰۱۷ با خروج آمریکا از برجام مجدد این روند افزایش پیدا کرده است.[4] عواملی همچون تورم مزمن، تقلیل ایفای نقش ایران در اقتصاد جهانی، کاهش ارزش پول ملی، افت قدرت خرید و رکود تولید باعث شده بخشی از طبقه متوسط به دهک‌های پایین‌تر رانده شود. این جابه‌جایی طبقاتی صرفا یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه پیامدهای اجتماعی و سیاسی نیز دارد. در دهه گذشته و در مقاطعی که اعتراضات مردمی با ماهیتی مسالمت‌آمیز شکل گرفته، بخش درخور توجهی از فعالان حاضر در این رویدادها از طبقه متوسط بوده‌اند؛ گروهی که عمدتا مطالبات اقتصادی و اصلاحی داشتند. اما در ادامه، با دخالت عناصر افراطی و اقدامات خشونت‌آمیز، برخی از این اعتراضات به آشوب کشیده شد و به امنیت کشور آسیب وارد کرد. این امر نیز حکایت از این مهم می‌کند که تقویت طبقه متوسط علاوه بر بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، از تهدیدات امنیتی نیز پیشگیری می‌کند.

همچنین باید توجه داشت که طبقه متوسط پیونددهنده لایه‌های مختلف اجتماعی است و نقش «میانجی اجتماعی» را ایفا می‌کند. این طبقه از یک سو با اقشار کم‌درآمد همدلی دارد و از سوی دیگر با ساختارهای رسمی اقتصادی و اداری در ارتباط است؛ بنابراین تضعیف آن می‌تواند جامعه را به سمت دوقطبی‌شدن میان فقر گسترده و ثروت متمرکز سوق دهد. چنین وضعیتی سرمایه اجتماعی را کاهش داده و اعتماد عمومی را آسیب‌پذیر می‌کند. تضعیف طبقه متوسط در واقع به معنای تضعیف نیرویی است که در بیش از یک قرن گذشته در مهم‌ترین تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران نقش‌آفرین بوده است. جامعه‌ای که طبقه میانی آن کوچک شود، در معرض قطبی‌شدن، کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش بی‌ثباتی قرار می‌گیرد. در مقابل، سیاست‌گذاری هوشمندانه که به تثبیت قدرت خرید، حمایت از تولید دانش‌بنیان، تقویت بخش خصوصی مولد و گسترش فرصت‌های برابر آموزشی منجر شود، می‌تواند این طبقه را دوباره به موتور تحرک اقتصادی و تعادل سیاسی کشور بدل کند. در افق کوتاه‌مدت، تداوم تضعیف طبقه متوسط می‌تواند به افزایش نارضایتی‌های پراکنده، کاهش مشارکت اجتماعی، افت سرمایه‌گذاری داخلی و تشدید مهاجرت نخبگان بینجامد. طبقه متوسط مهم‌ترین حامل سرمایه انسانی کشور است؛ فرسایش آن به معنای خروج تدریجی نیروهای متخصص، کارآفرین و خلاق از چرخه تولید ملی خواهد بود. در افق بلندمدت نیز کوچک‌شدن این طبقه می‌تواند ساختار اجتماعی ایران را به سمت شکاف عمیق میان اقلیت ثروتمند و اکثریت کم‌درآمد، مخاطرات سیاسی و امنیتی و در نهایت بحران‌هایی همچون بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران مشروعیت سوق دهد. برای دفع این مخاطرات، دولت و حاکمیت ناگزیرند رویکردی پیش‌نگر و ساختاری اتخاذ کنند. اصلاح نظام مالیاتی به نفع تولید و فعالیت‌های مولد، کنترل پایدار تورم، ثبات‌بخشی به سیاست‌های ارزی، حمایت هدفمند از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مبارزه جدی با فساد می‌تواند اعتماد و امید را به این طبقه بازگرداند. همچنین تقویت شفافیت، گسترش گفت‌وگوی اجتماعی و فراهم‌کردن بستر مشارکت مدنی می‌تواند پیوند میان حاکمیت و طبقه متوسط را تحکیم کند. تحقق حقوق مدنی و سیاسی مصرح در فصل سوم قانون اساسی شاید مهم‌ترین مطالبات طبقه متوسط در ایران معاصر باشد. آنچه از کاهش شدید مشارکت مردم در انتخابات‌های یک دهه اخیر در ایران مشاهده می‌کنیم، نتیجه عدم درک اهمیت حقوق مدنی و بی‌تدبیری در به مشارکت طلبیدن اقشار اجتماعی و به‌خصوص طبقه متوسط در آوردگاه‌های مهم سیاسی است. پس در چنین شرایطی، حاکمیت باید مطالبات اقتصادی و سیاسی این طبقه را به رسمیت بشناسد و برای آن چاره‌اندیشی کند. مهار تورم، تثبیت متغیرهای کلان اقتصادی، ایجاد اشتغال پایدار، کاهش نابرابری و تقویت نظام حمایتی در ساحت اقتصاد و گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی، تضمین حاکمیت قانون، تقویت نظام حزبی و رقابت انتخاباتی واقعی -به‌منزله بهترین بستر برای نقش‌آفرینی سیاسی طبقه متوسط- تقویت جامعه مدنی و نهادهای واسط، تقویت سرمایه اجتماعی در ساحت سیاست می‌تواند روند افول این طبقه را متوقف کند. طبقه متوسط، «طبقه حساس» ایران معاصر است؛ طبقه‌ای که ثبات اجتماعی، توسعه اقتصادی و امنیت ملی تا حد زیادی به سرنوشت آن وابسته است. امید که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در نهادهای حاکمیتی با درک این مهم، نسبت به مخاطرات تضعیف این طبقه در این برهه حساس آگاه شده و برای رفع آنها نهایت اهتمام را به خرج دهند. پله نخست گذار از این شرایط سیاسی و امنیتی و عادی‌سازی شرایط برای حکمرانی دقیقا همین‌جاست.

پی‌نوشت‌ها:

1-https://www.daraian.com/fa/paper/35721

2-https://www.indexmundi.com/facts/iran/educational-attainment?utm_source=chatgpt.com

3-https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/irans-middle-class-has-been-eroding-for-some-time-now-its-only-getting-worse/#65533;

4-https://www.eghtesadonline.com/008PHT

یادداشت

اقتصادیات تحزب و بی‌صدایان جامعه

ادامه از صفحه اول

با عنایت به آنچه گفته شد، اگر دولت بر «صدای بی‌صدایان» شدن تأکید دارد، راه درست تحقق این برنامه، تلاش برای اصلاح فضای مشارکت سیاسی و حمایت از فعالیت آزادانه احزاب و در نهایت شکل‌گیری احزاب فراگیر با محوریت شخصیت‌های دارای وجاهت ملی است. در چنین شرایطی درصد مشارکت سیاسی جامعه افزایش چشمگیری می‌یابد و هر فردی از اعضای جامعه با توجه به سلیقه و خواست سیاسی خود، حزب مطلوب خود را انتخاب کرده و با پذیرش قواعد بازی وارد میدان نقش‌آفرینی سیاسی می‌شود. کاهش نگران‌کننده درصد مشارکت سیاسی در انتخابات‌های چند سال اخیر نشان‌دهنده این واقعیت تلخ بود که با مسدودشدن سپهر سیاسی کشور و نبود احزابی که بتوانند به تمام معنی صدای اقشار مردم باشند، گروه کثیری از شهروندان کالای عرضه‌شده در بازار سیاست را باب طبع خود نیافته و به بازار سیاه رو کرده‌اند. در انتخابات خرداد ۱۴۰۳ میزان مشارکت به زحمت به ۴۰ درصد رسید و بیش از ۶۰ درصد شهروندان نتوانستند کالای مطلوب خود را در بازار سیاست پیدا کنند. هرچند بخش مهمی از همان ۴۰ درصد را نیز کسانی تشکیل می‌دادند که انتخاب‌شان با رضایت مطلق همراه نبود.

با این حال، این اتفاق باز هم متولیان امر را بیدار نکرد که تدبیری اندیشید و آب رفته را به جوی بازگردانند. برخی جریانات سیاسی حتی از این بی‌اعتنایی مردم به انتخابات خوشحال و خرسند شدند؛ زیرا در غیاب مردم، آنان می‌توانستند با کمترین تعداد آرا خانه ملت را به تصرف درآورده و آن را به خانه جریان تندرو تبدیل کنند.

پرسشی که باید ذهن مسئولان و صاحب‌منصبان را درگیر کند، این است که آیا در شرایط امروز جهان می‌توان با نادیده‌گرفتن سلیقه سیاسی گروه عظیمی از شهروندان و به حاشیه راندن آنها، ثبات سیاسی و اجتماعی را تجربه کرد؟ آیا نادیده‌گرفتن این گروه عظیم، دشمنان و بدخواهان کشور را بر سر ذوق نمی‌آورد که از این آب گل‌آلود ماهی بگیرند؟ صدای بی‌صدایان شدن شعاری ارزشمند و تنها راه رسیدن به امنیت مردم‌پایه است. اما دولتی که می‌خواهد به شنیده‌شدن صدای بی‌صدایان کمک کند، راهی جز تلاش برای تسهیل فعالیت آزادانه احزاب فراگیر ندارد؛ حتی اگر فعالیت احزاب منتقد خواب راحت را از چشمان برخی قدرتمندان برباید؛ زیرا همان‌گونه که در نبود بنگاه‌های تولیدی باب طبع مردم، آنان متوجه بازار سیاه خواهند شد، در نبود احزاب فراگیر نیز قدرت سربازگیری دشمنان افزایش چشمگیری خواهد یافت.

جدول ۵۲۷۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- برای بیان آرزو به کار می‌رود- از مراکز خرید و فروش ارز- توضیح اضافی بر مواد قانون ۲- ریاضی‌دان یونانی و پایه‌گذار هندسه- مثل هم- دشنام‌دادن ۳- انتهای ناخن- تغییردادن اخبار از حالت اصلی- خصلت‌ها ۴- ناپایدار- راه باریک و سرپوشیده- متوقف‌کردن جریان یک فعالیت شغلی ۵- سرگرد قدیم- بندری در ترکیه- شعور ۶- خالص- نشان‌کرده- اصول و قوانین دین ۷- میوه بوشهری- بزرگواری- حس بویایی ۸- نخستین زن شهید اسلام- شاعر دربار سلطان سنجر- شکافنده ۹- نشانه صفت تفضیلی- پیوسته و دائم- هر داروی افزایش تحرک دستگاه گوارش ۱۰- رازها- خراب- از ملزومات اداری ۱۱- صدای بلند- سازی زهی شبیه گیتار- شیرینی‌فروش ۱۲- طب سنتی چینی- نوعی چاپگر کامپیوتری- سوره بیستم قرآن ۱۳- بهار عرب- پیشکار- نیروبخش ۱۴- از موجودات قرآنی- آسان‌کردن- عنصری که برخی از خواص فلزات و غیرفلزات را دارد ۱۵- پایین دیوار- فلاپی دیسک- پدر زال در شاهنامه

عمودی:

۱- بی‌کم‌وکاست- نیزار- نام اختصاری راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران ۲- درختی با گل‌های خوشه‌ای- از شرکت‌های خودروساز آلمانی ۳- آش اصیل مشهدی- همشیره- روایت‌کننده ۴- صادق و بی‌ریا- آماده- ادویه معروف لبنانی ۵- عدد قرن- خرگوش عرب- عنصر اصلی تمام مواد آلی- یک و دو ۶- هر یک از واحدهای تخصصی در ارتش- سقف فروریخته- امامان ۷- حلال نیست- گاز نجیب سبک- درخت لرزان ۸- نویسنده ایرانی و خالق رمان‌های مخلوق و قاعده بازی ۹- یک نفر- چاره‌اندیش- روییدن ۱۰- دوتایی- اشاره- سوغات بیرجند ۱۱- داخل- محوطه روباز کشتی- شهری در استان کرمانشاه- صنم ۱۲- معادل فارسی آنلاین- مقام- نصف آجر ۱۳- فراورده‌های کشاورزی تابستانی- سیب آذری- سمبل اسارت ۱۴- کتابی از شهاب‌الدین سهروردی- کنایه از مهارت و قدرت است ۱۵- بت جاهلی- گردآمده در یک جا- چوب سوزاندنی

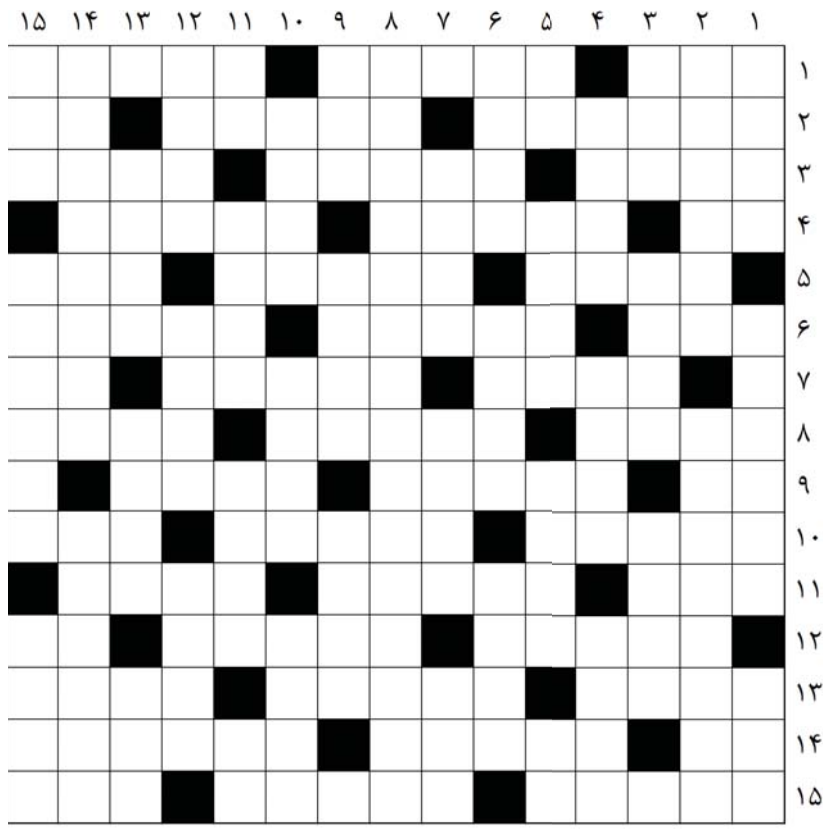

حل سودوکو ۴۲۶۷

۸	۴	۱	۳	۲	۷	۵	۹	۶
۵	۲	۷	۹	۱	۶	۸	۴	۳
۳	۹	۶	۴	۸	۵	۱	۷	۲
۲	۸	۳	۷	۹	۴	۶	۱	۵
۷	۵	۴	۶	۳	۱	۲	۸	۹
۶	۱	۹	۲	۵	۸	۴	۳	۷
۱	۶	۵	۸	۷	۳	۹	۲	۴
۹	۷	۸	۵	۴	۲	۳	۶	۱
۴	۳	۲	۱	۶	۹	۷	۵	۸

۱	۶	۲	۴	۳	۷	۵	۸	۹
۸	۳	۵	۶	۹	۲	۴	۱	۷
۹	۷	۴	۵	۱	۸	۳	۲	۶
۶	۸	۱	۳	۲	۵	۹	۷	۴
۳	۲	۹	۸	۷	۴	۶	۵	۱
۴	۵	۷	۱	۶	۹	۸	۳	۲
۷	۴	۳	۲	۸	۶	۱	۹	۵
۵	۹	۸	۷	۴	۱	۲	۶	۳
۲	۱	۶	۹	۵	۳	۷	۴	۸

حل جدول ۵۲۷۱

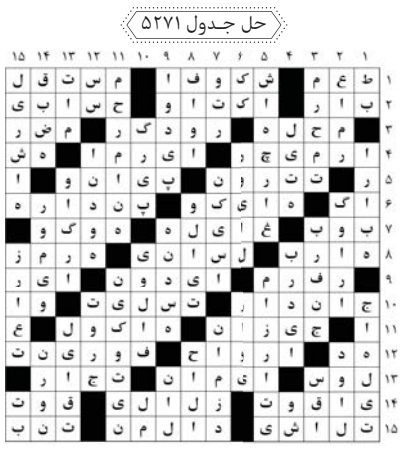

سودوکو سخت ۴۲۶۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۵			۴	
۲		۵		۸				۱
		۹	۳			۸		۵
			۶					۸
		۶				۹		
۳					۸			
۹		۱			۳	۶		
۷				۲		۱		۹
	۳			۴				

سودوکو ساده ۴۲۶۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱				۴	۵	۸		
	۵	۳						۱
۸			۹		۱			
۶				۵	۲			
۵	۱			۹			۲	۷
			۱	۸				۴
			۶		۴			۲
۴						۶	۸	
		۶	۵	۱				۹